

## حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی و بین المللی

دکتر سعید حبیب<sup>\*</sup>

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

غلامرضا معتمدی

کارشناس ارشد حقوق عمومی

**چکیده:** حمایت از دانش سنتی در قوانین موضوعه که بخش قابل توجهی از آن‌ها را کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تشکیل می‌دهند ظرفیت مناسبی را برای ایفای نقش حمایتی از آن فراهم نموده است. کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مبارزه با بیابانزایی از جمله مواردی است که از ظرفیت لازم برای ایفای تعهدات متقابل بین‌المللی برخوردار می‌باشند. لیکن مشکل اساسی کنوانسیون‌های مذکور فقدان ضمانت اجرایی لازم، نبود ساختارهای سازمانی ملی و ابهام در لزوم تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی آن می‌باشد. هدف از این پژوهش بررسی امکان و شیوه‌های حمایت از دانش سنتی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی ملی و بین‌المللی می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع و گستردگی آن، در شماره قبلی مجله شیوه‌های حمایت از دانش سنتی مورد بررسی قرار گرفت و در این شماره بررسی امکان شیوه‌های حمایت از دانش سنتی در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی ارائه شده است.

### واژگان کلیدی:

دانش بومی، دانش سنتی، فن آوری بومی، حقوق محلی، مالکیت، حقوق مالکیت فکری

E mail : habiba @ut.ac.ir

فکس : ۶۶۴۰۹۵۹۵

<sup>\*</sup> نویسنده مسئول:

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:  
 "امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)"، سال ۸۲، شماره ۶۰، "نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)"، سال ۸۳، شماره ۶۶؛ "حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری"، سال ۸۵، شماره ۷۲.

<sup>\*\*</sup> این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی شماره ۲۱۷۰۰۱/۱/۰۳ می‌باشد که با حمایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است

## مقدمه

دانش سنتی با مالکیت فکری پیوند قابل توجهی دارد. در حال حاضر یکی از مباحث مطرح در سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>۱</sup> (WIPO) دانش سنتی است، کشور ایران نیز در کمیته های تخصصی مربوط حضور فعال دارد. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که کشور ایران یکی از پایگاه های فرهنگی و تمدنی معتبر دنیا به شمار می رود. اقوام ایرانی که در قالب روستاها و عشایر شکل یافته اند، منبع سرشار دانش و تکنیک های محلی و بومی هستند و سال های متمادی نسبت به نگهداری و پاسداشت آن کوشش و تلاش نموده اند و اکنون نیز در تمامی تار و پود زندگی آنان کاربردی و نهادینه شده است. این دانش اگر چه محلی است، لیکن در عرصه کشور جزو سرمایه های ملی محسوب می شود و دولت باید در این خصوص نقش حمایتی ویژه ای را ایفا نماید.

قوانین و مقررات ایران در خصوص قواعد حاکم بر دانش سنتی بسیار فقیر است. البته مقررات مندرج در کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی که دولت ایران به آن ملحق شده است نظیر کنوانسیون مبارزه با بیابانزدایی، پروتکل ایمنی زیستی، معاهده بین المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی و ...، مقرراتی را به دانش سنتی اختصاص داده است. به عبارت دیگر می توان به گونه ای اذعان نمود که با پذیرش دولت ایران، قواعد و تعهدات این موافقت نامه های بین المللی در ایران ملی شده اند. لذا بایستی دولت نسبت به ایجاد و تاسیس سازو کارهای اجرایی لازم آن اقدام نماید. اما همین امر نیز با ابهامات و سوالات حقوقی عدیده ای مانند اینکه آیا دولت می تواند رسماً آیین نامه های اجرایی کنوانسیون های بین المللی را تهیه و تصویب نماید؟ مواجه می باشد. نتیجه اینکه در حال حاضر اکثر تعهدات ناشی از کنوانسیون ها در عرصه ملی اجرایی نشده اند، یا به عبارت بهتر زمینه اجرایی شدن آنها فراهم نگردیده است.

<sup>۱</sup>World Intellectual Property Organization(WIPO)

این مقاله در دو بخش ارائه می‌شود:

در بخش نخست نگاهی به تلاش‌های بین‌المللی در زمینه دانش سنتی و کنوانسیون‌های مرتبط با آن خواهیم داشت و در بخش دوم به بررسی امکان حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی خواهیم پرداخت.

### بخش نخست: حمایت از دانش سنتی در عرصه بین‌المللی

#### الف- نظام حمایت دانش سنتی در کنوانسیون تنوع زیستی

دولت جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۱۳۷۵/۳/۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی به کنوانسیون تنوع زیستی ملحق شده است. این کنوانسیون توجه خاص و ویژه‌ای به دانش سنتی دارد و مؤلفه‌های حاکم بر آن بهترین شیوه‌های حمایت را تدبیر نموده است. لذا به نظر می‌رسد شاخصه‌های مذکور در آن قابل تعمیم به سایر کنوانسیون‌ها نیز باشد. از سوی دیگر تلاش جدی و گسترده‌ای لازم است تا باورهای مندرج در کنوانسیون مذکور را در سطح ملی به مرحله اجرا در آورد. بنابر این انتظار این است که یافته‌های حقوق خصوصی با کمک قواعد حقوق بین‌الملل، نهایتاً به توانمند ساختارهای قابل قبولی در داخل ایجاد نماید.

#### ۱- تعهدات متقابل دولت‌ها در جهت حمایت از جوامع بومی

یکی از اصول متداول در روابط متقابل دولت‌ها، "اصل رفتار ملی" است. یعنی دولت ملی هر گونه حقوق و مزایایی که به اتباع داخلی خود می‌دهد به اتباع سایر دول نیز همان حقوق را اعطاء نماید. (صابری انصاری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰) البته این اصل می‌تواند در چارچوب رفتار متقابل دولت‌ها و در یک نظام قراردادی تجلی یافته و در معاهدات دوجانبه یا چند جانبه قابلیت اعمال بیاید.

اصل مهم دیگری که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، حق حاکمیت کشورها بر منافع خود می‌باشد. (ماده ۳، کنوانسیون زیستی) اما این اصل با

محدودیت مواجه است و مطلق نیست. به عنوان مثال دولت‌ها موظف هستند در بهره‌برداری از منابع خود سیاست‌های زیست محیطی را مورد لحاظ قرار دهند و یقین حاصل نمایند که فعالیت‌های انجام شده در قلمرو یا در مناطقی که در کنترل ایشان است موجب صدمه به محیط زیست سایر کشورها یا مناطقی که خارج از قلمرو ملی آنها است نمی‌شود.<sup>۱</sup>

کنوانسیون تنوع زیستی زیربنای اجرای مفاد کنوانسیون را همکاری متقابل دولت‌های عضو می‌داند. هر یک از کشورهای عضو موظفند تا حد امکان و به‌گونه‌ای مناسب با سایر کشورهای عضو، به‌طور مستقیم یا در موارد لازم، به واسطه سازمان‌های بین‌المللی مربوط، در رابطه با مناطق خارج از حوزه قانونی خود و یا سایر موضوعات مورد علاقه دو طرف، برای حفظ استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری کنند. (ماده ۵، کنوانسیون زیستی) در خصوص بهره‌گیری از دانش سنتی، کشورهای عضو موظفند در جهت حفاظت از منابع محیط زیست دو گونه حفاظت را اعمال نمایند: نخست، حفاظت درونی دوم، حفاظت بیرونی. (ماده ۸، کنوانسیون زیستی)

### ۱-۱- حفاظت درونی

هر یک از کشورهای عضو، تا حد امکان و به‌گونه‌ای مناسب باید با عنایت به قوانین داخلی خود، به دانش، ابتکار و آداب و رسوم جوامع بومی و محلی که در برگرفته شیبه‌های زندگی سنتی مناسب برای حفاظت و استفاده صحیح از تنوع زیستی می‌باشند، احترام گذاشته و آن را حفظ کند و با تأیید و شرکت دادن دارندگان این دانش، ابتکار و آداب رسوم، کاربرد وسیع‌تر آن را توسعه بخشند و سهم شدن

<sup>۱</sup> اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.»

عادلانه در مزایای حاصل از بهره‌وری از این دانش، ابتکار و آداب و رسوم را تشویق نمایند. (بند د ماده ۸، کنوانسیون زیستی)

با بررسی صورت گرفته در قوانین و مقررات جاری ایران در خصوص حمایت از جوامع محلی تحت قالب مذکور قاعده‌ای وجود ندارد. البته اگر قائل باشیم که مفاد کنوانسیون تنوع زیستی و همچنین کنوانسیون بیابان‌زدایی هر یک به طور کلی با عمل الحاق مورد تصویب قانون‌گذار قرار گرفته و مآلاً ملی شده است در این صورت می‌توان اذعان نمود که بند د ماده (۸) کنوانسیون تنوع زیستی اصولاً یک قاعده ملی است. اما باید گفت که مسئله به این شکل نیست، بلکه قواعد مورد پذیرش در کنوانسیون تنوع زیستی باید در چارچوب مقررات داخلی با تصویب آیین‌نامه اجرایی و سازوکارهای اجرایی لازم در عرصه ملی ساماندهی و عملی شوند. قانون ایران در حال حاضر در این خصوص خلاء دارد.

#### ۱-۲- حفاظت بیرونی

هر یک از کشورهای عضو، تا حد امکان و به گونه‌ای مناسب و در درجه اول به منظور تکمیل اقدامات مربوط به حفاظت درونی باید استفاده مرسوم از منابع زیستی موافق آداب و رسوم فرهنگی را که با شرایط حفاظت با استفاده پایدار از آنها سازگار باشند، حمایت و تشویق کند و همچنین از جمعیت‌های محلی برای توسعه و انجام اقدامات بهینه‌سازی در مناطق آسیب دیده‌ای که تنوع زیستی شان کاهش یافته حمایت کند. (بند پ و ت ماده ۹، کنوانسیون زیستی)

دانش محلی در حفاظت از محیط زیست نقش برجسته و مؤثری دارد زیرا جوامع بومی شیوه همزیستی با محیط را طی قرون متمادی کسب نموده‌اند. ویلیام وگت (W. Vogt) رئیس بخش حفاظت ایالات متحده آمریکا می‌گوید: «روش‌های رقابت آزاد و به کار انداختن انگیزه سود برای زمین مصیبت بار بوده است ..... در واقع در سر تاسر جهان، زمین به این منظور کاشته نمی‌شود که مناسب‌ترین محصول را به‌طور

دائمی تولید کند، بلکه با این هدف کاشته می‌شود که هرچه بیشتر پول تولید کند، با حداقل هزینه، و با حداکثر سرعت یعنی با همان روشی که مورد تمجید تولید کنندگان صنعتی است. (بارنست، ۱۳۶۳ ص ۲۳۷) اما دانش بومی به‌عنوان مبنایی برای بنیان نهادن علمی موفق و کارآ در راه دستیابی به توسعه در نظر قرار گرفته شده است. به عنوان مثال کشاورزان اطلاعات گران بهایی درباره طبقه بندی خاک های مناطق خود دارند که بر اساس آنها به کشت محصولات زراعی اقدام می‌کنند. هم چنین کشاورزان خرده پا دانش زیادی درباره موقعیت بوم شناختی منطقه خود دارند که آنها را در سازگاری با محیط‌هایی که دارای برخی محدودیت‌ها هستند کمک می‌کند. استفاده از دانش بومی سبب کاهش ریسک ناشی از به کارگیری تکنولوژی خواهد شد. زیرا به‌کارگیری تکنولوژی‌هایی که از محیط محلی نشأت گرفته اند، عدم اطمینان نسبت به کار آیی آنها را کاهش می‌دهد و میزان پذیرش چنین تکنولوژی‌هایی به میزان قابل توجهی نسبت به تکنولوژی‌های نا آشنا و غیر بومی بیشتر خواهد بود. (امیری اردکانی، شاه ولی، ۱۳۷۸، ص ۲۶)

## ۲- دسترسی به تکنولوژی و انتقال آن با رعایت حقوق مالکیت فکری

بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی در خصوص دسترسی به تکنولوژی و انتقال آن بین کشورهای عضو، عناصر اساسی برای نیل به اهداف این کنوانسیون می‌باشد، بر اساس مفاد این ماده کشورهای عضو موظف هستند تسهیلات لازم را برای دسترسی و انتقال تکنولوژی‌هایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی با استفاده از منابع ژنتیکی بوده و خسارت قابل ملاحظه ای به محیط زیست وارد نمی‌نمایند برای سایر کشورهای عضو تأمین و یا تسهیل کند.

دسترسی به تکنولوژی یاد شده در بند ۱ و انتقال آن به کشورهای در حال توسعه باید تحت شرایط عادلانه و بسیار مطلوب، از جمله اعطایی و ترجیحی مورد توافق دوطرف و در صورت لزوم، برابر ترتیبات مالی تعیین شده در مواد ۲۰ و ۲۱ فراهم شده

یا تسهیل شود. در مواردی که تکنولوژی تحت امتیاز یا سایر حقوق مالکیت فکری باشد دسترسی و انتقال برابر شرایطی خواهد بود که موافق با حمایت مناسب و مؤثر از حقوق مالکیت فکری یاد شده و مطابق با آن باشد. (بند ۲۱ ماده ۱۶، کنوانسیون تنوع زیستی)

هر یک از کشورهای عضو به نحو مقتضی باید تدابیر اجرایی یا سیاست‌گذاری را با این هدف اتخاذ کند که کشورهای عضو، به ویژه کشورهای در حال توسعه که تأمین‌کننده منابع ژنتیکی می‌باشند، بر اساس شرایط مورد توافق دو طرف از جمله اینکه تکنولوژی باید به موجب حق امتیاز و دیگر حقوق مالکیت فکری و یا در صورت لزوم از طریق اعمال مقررات مواد ۲۰ و ۲۱ و برابر حقوق بین‌المللی و موافق با بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۶ مورد حمایت قرار گیرد، به تکنولوژی و انتقال آن دسترسی پیدا کنند.

بند ۴ و ۵ ماده ۱۶ بیان می‌دارد: هر یک از کشورهای عضو باید، به گونه‌ای مناسب، اقدامات تقنینی، اجرایی و سیاست‌گذاری را با این هدف اتخاذ کند که بخش خصوصی دسترسی به تکنولوژی، توسعه مشترک آن و انتقال تکنولوژی ذکر شده در بند ۱ را به سود مؤسسات دولتی و بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه تسهیل نماید.

کشورهای عضو با تأیید اینکه حق امتیاز و سایر حقوق مالکیت فکری می‌تواند بر اجرای این کنوانسیون تأثیر بگذارد، باید در این مورد، برابر قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل به منظور حصول اطمینان از اینکه چنین حقوقی حامی این کنوانسیون بوده و مغایر با اهداف آن نخواهد بود همکاری کنند.

بنابر این همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کنوانسیون تنوع زیستی ضمن تأکید بر تسهیل دسترسی دولت‌ها به تکنولوژی و انتقال آن، دانش سنتی و بومی را در راستای تکنولوژی‌های مورد بحث قرار می‌دهد. البته در این زمینه چند مؤلفه را بیان می‌دارد:

اول: دسترسی و انتقال تکنولوژی‌هایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی یا استفاده از منابع ژنتیکی بوده و خسارت قابل ملاحظه‌ای به محیط زیست وارد نمی‌نمایند. دانش سنتی و محلی از همین مقوله است.

دوم : در مواردی که تکنولوژی تحت امتیاز یا سایر حقوق مالکیت فکری باشد دسترسی و انتقال برابر شرایطی خواهد بود که موافق با حمایت مناسب و موثر از حقوق مالکیت فکری یاد شده و مطابق با آن باشد.

سوم : کشورهای عضو باید تدابیر عملی، اجرایی و سیاست گذاری را بر اساس اینکه دسترسی و انتقال تکنولوژی باید به موجب حق الامتیاز و دیگر حقوق مالکیت فکری باشد تدبیر نمایند.

چهارم : کشورهای عضو باید باور داشته باشند که اجرای مفاد کنوانسیون بدون رعایت حقوق مالکیت فکری متقابل امکان پذیر نیست . و این موضوع را در قوانین داخلی خود درج نمایند.

به علاوه کشورهای عضو باید تبادل اطلاعات را از کلیه منابع موجود عمومی مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی با در نظر گرفتن نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه تسهیل کنند. تبادل اطلاعات باید مبادله نتایج پژوهش‌های فنی، علمی، اجتماعی و اقتصادی و نیز اطلاعات مربوط به برنامه های آموزشی و بررسی ارزیابی، دانش‌های تخصصی، دانش‌های بومی و سنتی و همچنین در ترکیب با تکنولوژی‌های یاد شده در بند ۱ ماده ۱۶ شامل شود. تبادل اطلاعات همچنین باید در صورت امکان شامل برگرداندن به مبدأ نخست خود باشد . (ماده ۱۷ کنوانسیون)

از نکات بارز ماده ۱۷ این است که دانش‌های بومی و سنتی را در طول تکنولوژی تلقی نموده و این دو دانش را با یکدیگر کاملاً قابل ترکیب می داند. اصولاً در کنوانسیون این اعتقاد جاری می باشد که تکنولوژی بدون توجه به دانش سنتی محلی که معطوف به یک ناحیه خاص می باشد اصولاً از کارآیی چندانی برخوردار نیست .



۲- ترغیب کشورهای عضو به بهره‌گیری از تکنولوژی‌های بومی و سنتی  
 مارسل موس از تکنیک‌ها به عنوان "عمل سنتی مؤثر" نام می‌برد به نظر او تمامی  
 یک عمل چیزی جز یک سلسله حرکات فیزیکی و عضلانی نیست. این حرکات هستند  
 که به صورت سنتی از نسلی به نسل دیگر آموخته می‌شوند و واقعیات مطالعات  
 تکنولوژی را تشکیل می‌دهند. ناگفته نماند که تمدن مادی یک گروه انسانی خاص  
 فقط شامل مجموعه‌اشیایی که ساخته‌اند یا مورد استفاده قرار داده‌اند نمی‌شود. بلکه  
 مجموعه حرکات عضلانی سنتی و تکنیکی مؤثر را شامل می‌شود. (مودری کور، ۱۳۷۹، ص  
 ۱۱۹)

هم اکنون اقبال به دانش سنتی روز به روز در دنیا در حال گسترش است، برای  
 نمونه در مزرعه و باغ دانشگاه کالیفرنیا در سانتاکروز بسیاری از شیوه‌های کشاورزی  
 سنتی چین، افغانستان، هند و بومیان آمریکایی به کار گرفته شده‌اند. هر سه شنبه و  
 جمعه، محصولات تازه مزرعه و باغ را نزدیکی در ورودی دانشگاه می‌فروشند. اثر  
 تبلیغات صنعت کشاورزی و تولید غذا به قدری قوی است که برخی مشتریان مشکل  
 باور می‌کنند که برای پرورش چنین محصولات زیبا و بی‌نقص که از نظر طعم بی  
 نظیرند، ذره‌ای کود یا سم شیمیایی مصرف نکرده‌اند. (عباسی الف، ۱۳۷۲، ص ۳۴)  
 کشاورزی غیر شیمیایی و غیر مکانیزه برخی از جوامع سنتی می‌تواند از یک هکتار  
 زمین، حداقل یک و نیم تا دو برابر کشاورزی مدرن از همین مساحت محصول بردارد.  
 (عباسی ب، ۱۳۷۲، صص ۴۵ و ۴۴) بدون اینکه افزایش برداشت موجبات خسارات غیرقابل  
 جبران بر اراضی را فراهم نماید.

بر اساس نمونه‌ها و مثال‌های که از دانش سنتی در عرصه عمل بیان گردید.  
 کنوانسیون تنوع زیستی برترغیب کشورهای عضو برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از  
 دانش سنتی و تکنولوژی‌های بومی در راستای همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت  
 محیط زیست می‌پردازد.

به موجب ماده ۱۸ کنوانسیون تنوع زیستی، کشورهای عضو باید همکاری فنی و علمی بین المللی در زمینه حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی را در صورت لزوم از طریق مؤسسات ملی و بین المللی مناسب تشویق کنند. به علاوه هر یک از کشورهای عضو باید در اجرای کنوانسیون همکاری فنی و علمی با سایر کشورهای عضو به ویژه کشورهای در حال توسعه را، از راه های مختلف از جمله تدوین و اجرای سیاست های ملی ترغیب کند. (بند ۲۰۱۹ ماده ۱۸، کنوانسیون تنوع زیستی)

بند ۳ ماده ۱۸ کنوانسیون بیان می دارد: "کنفرانس اعضاء درنخستین اجلاس خود، باید چگونگی ایجاد ترتیبات مرکز تهاتر را برای تسهیل و تشویق همکاری فنی و علمی مشخص کند". به نظر می رسد این نکته بسیار حائز اهمیت است. زیرا چنین مرکزی می تواند به ساماندهی عقلانی مبادلات مربوط به دانش بپردازد. شاید مناسب باشد در اینجا مطرح نماییم آیامی توانیم در واگذاری و انتقال دانش بومی متقابلاً دانش فنی لازم را از طریق مرکز تهاتر با کشورهای توسعه یافته وارد نماییم؟ به نظر می رسد در حوزه ملی بتوان چنین راه حلی را برای گسترش و همکاری های علمی مطرح نمود. البته بند ۴ ماده ۱۸ کنوانسیون می تواند مویدی بر این مطلب باشد و چنین بیان میدارد: "کشورهای عضو باید برابر قوانین و سیاست های ملی، شیوه های همکاری برای توسعه و استفاده از تکنولوژی ها، از جمله تکنولوژی های بومی و سنتی را برابر اهداف این کنوانسیون ترغیب نموده و توسعه دهند. همچنین به این منظور، کشورهای عضو باید همکاری در زمینه آموزش نیروی انسانی و تبادل متخصصان را تشویق نمایند."

به طوری که ملاحظه می شود همکاری های بین المللی در بهره گیری از دانش بومی و محلی بعد وسیعی از عملیات مربوط به حفاظت محیط زیست و تنوع زیستی را در برمی گیرد. این امر می تواند شامل الزام طیف وسیعی از کارشناسان متخصص دانش بومی و مآلاً صدور دانش بومی به خارج از کشور و موجبات فراهم آوری اشتغال سودزا و تولید سرمایه را فراهم نماید. به علاوه اگر از این همکاری بین المللی به درستی بهره گیری شود می تواند در شقوق مختلف تأمین کننده منافع ملی کشور باشد. اما این امر

محتاج این است که در قلمرو داخلی ابتدا به ساماندهی دانش سنتی پرداخته شود و با احترام به این دانش و نگاه اقتصادی و فرهنگی به آن سپس در نظام بین‌المللی به تبادل و انتقال دانش و همکاری بین‌المللی در چارچوب توافقات و تهاوتر مورد نظر اقدام گردد.

### ب - کنوانسیون مبارزه با بیابانزدایی و حمایت از دانش سنتی

یکی دیگر از کنوانسیون‌های بین‌المللی که به دانش سنتی توجه خاصی داشته است کنوانسیون مبارزه با بیابانزدایی است که از ظرفیت تازه برای ایفای تعهدات متقابل بین‌المللی برخوردار می‌باشد. و دولت ایران در سال ۱۳۷۵ با تصویب مجلس شورای اسلامی به آن ملحق شده است

#### ۱- رویکرد بهره‌گیری از دانش سنتی و حمایت از حقوق مالکیت فکری

بهره‌گیری از دانش سنتی جوامع محلی یکی از مهم‌ترین اصول چگونگی تهیه برنامه‌های اقدام ملی برای مبارزه با بیابان زدایی است. ماده ۳ کنوانسیون مورد اشاره، در بیان اصول سه‌گانه خود دستیابی به اهداف کنوانسیون و اجرای مفاد آن را تنها در سایه رفتار اعضاء مطابق اصول مذکور می‌داند و بند الف ماده ۳ چنین بیان می‌دارد:

« طرف‌ها باید اطمینان یابند که تصمیمات آنها در طراحی و اجرای برنامه‌های بیابانزدایی و کاهش اثرات خشکسالی با مشارکت مردم و جوامع محلی صورت گرفته و همچنین در سطوح بالاتر محیط مناسبی ایجاد گردد تا اقدام در سطوح ملی و محلی را تسهیل نماید. بنابر این برنامه‌های بیابان زدایی افزایش ضریب برای سودمندی باید دارای دو شاخص مهم باشند :

الف: طراحی و اجرای برنامه‌های بیابانزدایی باید با مشارکت مردم و جوامع محلی

باشد .

ب: دولت‌ها باید شرایط و محیط مناسبی را برای اقدام ملی و محلی تسهیل نمایند.

همچنین ماده ۱۰ کنوانسیون می گوید: برنامه های عمل ملی باید نقش مربوط به دولت، جوامع محلی و بهره برداران از زمین و همچنین منابع موجود و مورد نیاز را معین کند. به موجب بند ۲ ماده ۱۰ این برنامه ها همچنین باید:

۱- اصلاحات متناسب با تغییر شرایط را اجازه داده و در سطوح محلی برای تطبیق با شرایط اجتماعی، اقتصادی، زیست شناسی، ژئو فیزیکی به اندازه کافی انعطاف پذیر باشد. (بند ب ماده ۱۰)

۲- سیاست ها و چارچوب های سازمانی قانونی را که مسبب توسعه همکاری و هماهنگی با روح همکاری، بین جوامع کمک کننده، دولت ها در تمام سطوح، جمعیت های محلی و گروه های اجتماعی می شود و دستیابی جمعیت های محلی به اطلاعات و فن آوری مناسب را تسهیل می نماید اعتلا بخشیده و تقویت نمایند. (بند ث ماده ۱۰)

۳- تمهیدات لازم برای مشارکت مؤثر در سطوح محلی، ملی و منطقه ای توسط سازمان های غیر دولتی و جمعیت های محلی اعم از مردان و زنان، به خصوص استفاده کنندگان از منابع شامل زارعین، دامداران و سازمان های نماینده آنان، در سیاست گذاری، تصمیم گیری و اجرا و بررسی برنامه های عمل ملی را فراهم سازند. (بند ج ماده ۱۰)

علاوه بر آنچه که بیان گردید افزایش انعطاف پذیری در طراحی پروژه، تأمین اعتبار و اجرا، در راستای روش تجربی و قابل تکرار برای اقدام مشارکتی در سطح جامعه محلی (بند پ ماده ۱۳ کنوانسیون) و توسعه روش های اجرایی در سطوح ملی و محلی به منظور جلوگیری از عملیات تکراری و به حداکثر رساندن کمک از جمله مسائلی هستند که کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی به آن پرداخته و نقش دانش سنتی و بومی به خوبی و به درستی مورد توجه قرار گرفته و فی الواقع عدم توجه به بهره گیری از دانش سنتی نه تنها به مفهوم ناقص بودن برنامه، بلکه به عبارت دیگر و بهتر به مفهوم عقیم و ابر ماندن کلیت برنامه مبارزه با بیابان زایی تلقی گردیده است.

کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی با درک عمیق و واقع گرایانه و با شناخت صحیح حقوق صاحبان حق و دارندگان دانش سنتی و به عبارتی "فن‌آوری‌های محلی و سنتی" موضوع مالکیت فکری را مورد توجه جدی قرار داده است و دولت‌های متعاقد را متعهد نموده است که در صورت انتقال، اکتساب، تعدیل و توسعه فن‌آوری با انعقاد توافقات دوجانبه و منطبق با سیاست‌ها و مقررات ملی خودشان اعتبار یا تسهیلات اعتباری لازم را برای انتقال، اکتساب، انطباق و توسعه فن‌آوری‌های سالم به لحاظ زیست محیطی و قابل اجراء به لحاظ اقتصادی و قابل پذیرش به لحاظ اجتماعی فراهم نمایند، ضمناً تأکید فراوانی بر ضرورت حفظ حقوق مالکیت فکری برای فن‌آوری‌های محلی و سنتی دارد. بند ب ماده ۱۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد، دولت‌های متعاقد باید بر اساس قراردادهای دوجانبه دستیابی را به خصوص برای کشورهای مبتلا به در حال توسعه، بر اساس اصول مناسب شامل مقررات ترجیحی و امتیازی که به صورت دوجانبه توافق شده، با توجه به ضرورت حفظ حقوق مالکیت فکری برای فن‌آوری‌هایی که برای اجرای عملی نیازهای ویژه به اثرات زیست محیطی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، چنین فن‌آوری‌هایی تسهیل نمایند و به علاوه انجام اقدامات مناسب به منظور ایجاد شرایط بازار محلی و انگیزه مالی و غیره که موجب توسعه، تبادل اکتساب و سازگار نمودن فن‌آوری‌ها و فنون می‌شود از جمله معیارهای حفظ حقوق مالکیت فکری را ایجاد نمایند. (بند ث ماده ۱۸ کنوانسیون)

## ۲- تعهدات دولت‌ها نسبت به حفظ، ارتقاء، حمایت و استفاده از فن‌آوری‌های

### محلی و سنتی

بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون مقابله با بیابان زایی مقرر می‌دارد: «اعضای متعاقد باید بر مبنای توانمندی‌ها و با توجه به سیاست‌ها و قوانین ملی مربوطه اشان اقدام به حفظ، ارتقاء و استفاده از فن‌آوری‌های محلی و سنتی نمایند تا در نهایت تعهدات زیر را به عهده گیرند:

۱- فهرستی از این گونه علوم و فنون را با ظرفیت‌ها و استعداد‌های مربوط در رابطه با جمعیت‌های محلی تهیه و از طریق سازمان‌های بین‌الدولی و غیر دولتی توزیع و منتشر نمایند.

۲- تضمین نمایند که این گونه فن آوری‌ها و علوم و فنون را حمایت نموده و نیز جوامع محلی بر اساس تساوی و توافقات چند جانبه متداول به‌طور مستقیم از این فن آوری‌ها و با کاربرد آن در سایر فن آوری‌ها بهره‌مند خواهند شد.

۳- توسعه و توزیع و انتشار اینگونه علوم و فنون و یا فن آوری‌هایی را که از آن گرفته می‌شود تشویق و از آن حمایت نمایند.

۴: تسهیلات لازم را برای سازگار نمودن اینگونه علوم و فنون وابسته را برای کاربرد وسیع آن و همراه کردن آنها با فن آوری‌های مدرن فراهم سازند.

خوشبختانه مقررات کنوانسیون آن قدر صریح و روشن و بدون ابهام بیان گردیده است که جای هیچگونه توضیح اضافی را باقی نمی‌گذارد. از این‌رو سعی شده که صرفاً به هم آمیزی و برجسته سازی مندرجات کنوانسیون با ترکیب منطقی برای وصول یک هدف بزرگ یعنی نگاه ویژه کنوانسیون به دانش سنتی پرداخته شود.

اکنون ببینیم که کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی چه تدابیر و اقدامات حمایتی را برای بیابان‌زدایی پیش بینی نموده است. ماده (۱۹) کنوانسیون مذکور در خصوص اقدامات حمایتی به سه مقوله ظرفیت سازی، آموزش و آگاهی عمومی اشاره نموده است و می‌گوید: اعضای متعهد اهمیت ظرفیت سازی را که شامل ایجاد مقررات نهادینه‌سازی، آموزش و توسعه ظرفیت‌های محلی و ملی ذیربط می‌باشد و به منظور تلاش برای بیابانزدائی و کاهش اثرات خشکسالی است به خوبی درک می‌نمایند. اعضا در توسعه ظرفیت سازی موارد زیر را باید لحاظ کنند:

الف- ساختن و توسعه ظرفیت‌ها در تمام سطوح به خصوص در سطح محلی از طریق مشارکت کامل مردم محلی و بومی به‌ویژه زنان و جوانان با همکاری سازمان‌های غیردولتی و محلی.

ب- تقویت ظرفیت آموزشی و تحقیقاتی در سطح ملی در زمینه بیابان زدایی و خشکسالی.

پ- برقراری و یا تقویت حمایت ها و گسترش خدمات به منظور ترویج روش های فنی مربوط به صورت مؤثرتر از طریق آموزش عوامل و اعضای سازمان های روستایی در فرایند مشارکتی برای حفظ و بهره برداری پایدار از منابع طبیعی.

ت- ترویج استفاده و توسعه علوم دانش فنی و عرف محلی بومی در برنامه های همکاری های فنی در هر جایی که امکان دارد.

ث- سازگار کردن فن آوری های سالم به لحاظ زیست محیطی و روش های سنتی کشاورزی و دامداری سنتی با شرایط مدرن اجتماعی، اقتصادی.

از سوی دیگر در مورد تعهدات دولت ها نسبت به امور آموزشی مسائلی نظیر ارتقای دسترسی دائمی مردم به اطلاعات ذی ربط و هم چنین مشارکت وسیع مردم در فعالیت های آموزشی و آگاهی بخشی (قسمت ب بند ۳ ماده ۱۹) و به علاوه توسعه برنامه های چند منظوره مشارکتی که دانش بیابان زدایی و خشک سالی در سیستم های آموزشی و به صورت غیر رسمی و برای بزرگ سالان در نواحی دور دست و همچنین در برنامه های آموزش های عملی مرتبط گرداند در کنوانسیون مورد اشاره پیش بینی گردیده است.

### ۳- همکاری های فنی و علمی دولت ها و مستندسازی دانش سنتی در عرصه

#### بیابان زدایی

بر طبق تعهدات کنوانسیون، دولت های عضو موظفند بر اساس توانایی های خود جمع آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات و آمار کوتاه مدت و بلند مدت مربوطه را هماهنگ و یکسان سازند تا از مشاهده سیستماتیک تخریب اراضی در مناطق مبتلا به اطمینان یابند و فرایند اثرات خشک سالی و بیابان زایی را بهتر درک کرده و ارزیابی نمایند (ماده ۱۶ کنوانسیون) و همچنین موظفند انجام وظیفه شبکه جهانی موسسات و

تسهیلات برای جمع‌آوری، تحلیل و تبادل اطلاعات و همین‌طور برای نظارت سیستماتیک در تمام سطوح را تقویت و تسهیل نمایند و ضمناً به نکات زیر توجه داشته باشند.

- ۱- به استفاده از سیستم‌ها و استانداردهای سازگار توجه داشته باشند.
- ۲- اطلاعات و ایستگاه‌های ذی ربط، از جمله در نواحی دوردست را در بر گیرند.
- ۳- فن آوری جدید برای جمع‌آوری، انتقال و ارزیابی اطلاعات در زمینه تخریب اراضی را به کار گرفته و منتشر نمایند.
- ۴- اطمینان یابند که جمع‌آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات جواب‌گویی نیازهای جوامع محلی و نیازهای تصمیم‌گیرندگان، با هدف حل مسایل خاص است و اینکه جوامع محلی در این برنامه‌ها شرکت دارند.
- ۵- برنامه‌ها و پروژه‌های دو جانبه و چند جانبه را که هدف آن تعیین هدایت، ارزیابی و تامین اعتبار برای جمع‌آوری تحلیل و تبادل و تهیه اطلاعات و آمار، از جمله شاخص‌های فیزیکی، زیست‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی می‌باشد، رعایت نموده توسعه دهند.
- ۶- از تجربیات سازمان‌های بین‌الدولی و غیر دولتی که توانایی دارند به ویژه برای توزیع اطلاعات و تجارب مربوط بین گروه‌های هدف در مناطق مختلف استفاده کامل به عمل آورند.
- ۷- به جمع‌آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات اجتماعی، اقتصادی، ادغام آنها با آمار فیزیکی و زیستی اهمیت کامل بدهند.
- ۸- اطلاعات قابل دسترسی از کلیه منابع عمومی در رابطه با بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشک‌سالی را مبادله نموده و به صورت کامل، آشکار و صریح در دسترس قرار دهند و بالاخره اینکه، دولت‌های عضو کنوانسیون باید به شرط تصویب مراجع قانون‌گذاری ملی و با سیاست‌های خود اطلاعات مربوط به دانش سنتی و محلی را



مبادله نموده و از حفاظت کافی از آنها و تامین سود مناسب از منافع حاصله از آنها بر اساس تساوی و یا شرایط مورد توافق دوجانبه، به جمعیت محلی مربوطه اطمینان حاصل نمایند. ( بند چ ماده ۱۶) کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی نگاه بسیار مثبتی نسبت به بهره‌گیری از دانش سنتی در عرصه بیابان زدایی دارد و نوع حمایت‌های آن اساساً جامع و همه‌جانبه به نظر می‌رسد. عبارات "حفاظت کافی و تامین سود مناسب" حاکی از توجه جدی کنوانسیون برای حفظ مالکیت فکری صاحبان حق و هم‌چنین در نظر گرفتن ارزش تجاری چنین دانشی است و از سوی دیگر کنوانسیون قائل به این است که سود حاصله باید به جمعیت محلی که فی الواقع مالک اصلی و صاحب حق محسوب می‌شود تعلق گیرد و دولت صرفاً یک نهاد تسهیل‌گر این امر است.

## بخش دوم- حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی

### الف - مستندسازی دانش سنتی

#### ۱- پیشینه مستندسازی دانش سنتی در قوانین ایران

با قضاوت منصفانه می‌توان گفت: دانش سنتی در پیشینه مقررات ایران تا حدودی مورد عنایت قانون‌گذار بوده است. البته قانون‌گذاری نه آنچنان مملو از توجه ویژه به دانش سنتی است و نه آنچنان خالی از عنایت قانون‌گذاری. لذا در همین راستا در سال ۱۳۴۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و منصفان و هنرمندان به تصویب مجلس وقت رسیده است. (مجموعه قوانین، سال ۱۳۴۸، ص ۳۸۰) در ماده (۲) قانون مذکور ضمن بیان مصادیق « اثرهای مورد حمایت » اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد را مورد حمایت قانون می‌داند و بدینوسیله ضمن ارتباط برقرار کردن بین دانش سنتی و نوین (تحت عنوان ابتکار) رهنمود مناسبی را در جهت بهره‌گیری از دانش سنتی به منظور یافتن رهیافت‌های جدید ارائه می‌نماید.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۱) قانون حمایت حقوق مؤلفان و منصفان و هنرمندان در مورخ ۱۳۵۰/۱۰/۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. بند «خ» ماده (۲) آیین‌نامه موصوف در خصوص ثبت اثر بر پایه فرهنگ عامه

قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی مقرر دیگری است که در سال ۱۳۵۴ در خصوص مستندسازی دانش بومی و سنتی به تصویب رسیده است. (مجموعه قوانین، سال ۱۳۵۴، ص ۴۵۸) در فصل چهارم قانون مذکور حقوق و وظایف انجمن ده به تفصیل بیان گردیده است. بند ۱۱ ماده ۲۷ تحت عنوان حقوق و وظایف انجمن ده، «اهتمام در تنظیم جغرافیای تاریخی و شناسنامه ده، جمع‌آوری قصه‌ها، افسانه‌ها، رسوم، سنت‌ها، شعر و آهنگ‌های محلی با استفاده از می‌داند که از طریق مساعی با خانه فرهنگ روستایی قابل تحقق می‌شمارد. (بند ۱۳ ماده ۲۷)

با تصویب قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری در سال ۱۳۶۱ (مجموعه قوانین، سال ۱۳۶۱، ص ۱۰۳) انجمن‌های ده صریحاً اعتبار و کار کرد خود را از دست دادند. ماده (۲۶) قانون اخیر الذکر در ذیل وظایف شورای اسلامی ده با تنظیم شناسنامه ده (بند ۱) و تشویق اهالی ده به ایجاد کارهای دستی و صنایع روستایی (بند ۵) رویکرد ضعیف تری را نسبت به انجمن ده در خصوص دانش سنتی و فولکلور ارائه می‌دهد. اما بند (۵) ماده (۲۷) در زمره وظایف شورای اسلامی بخش، «اهتمام در تنظیم جغرافیای تاریخی و شناسنامه دهات» که به گونه‌ای برگرفته از بند (۱۱) ماده (۲۷) قانون وظایف انجمن ده بوده را بیان می‌دارد.

مع الوصف قانون اخیر الذکر نیز در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مجموعه قوانین، سال ۱۳۷۹، ص ۲۸۹) نسخ گردید. متأسفانه در ماده ۶۸ قانون مذکور نیز که به وظایف شوراهای اسلامی

---

یا میراث فرهنگی و هنری ملی می‌گوید: «در مورد اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد و همچنین اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد موضوع بندهای ۱۱ و ۱۰ ماده دوم قانون، نظر به اینکه اثر پس از پدید آمدن آن بصورت یکی از آثار مندرج در ماده دوم یا ترکیبی از آنها خواهد بود درخواست کننده ثبت با توجه به نوع اثر و ارتباط آن با یک یا چند نوع از آثار مذکور در ماده دوم قانون باید اطلاعات و مدارک خاص همان نوع یا انواع را تسلیم کند. (مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۰، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۳۲).

روستایی پرداخته است اثری از آنچه که به عنوان حفظ دانش سنتی در قوانین پیشین آمده بود مشاهده نمی شود. به نظر می رسد این موضوع یکی از نقایص قانون شوراهاى اسلامی است که کماکان نیز وجود دارد. اصولاً وظایف پیش‌بینی شده برای شورای اسلامی روستایی بیشتر شکل و وجهه مادی دارد و اگر چه بند «ل» ماده ۶۸ با عبارت « جلب مشارکت و همکاری عمومی در انجام امور فرهنگی» سعی در پوشش دادن وظیفه پیشین داشته ، لیکن عملاً کمتر موفق بوده است.

## ۲- مستندسازی دانش سنتی مقدمه ای بر حفظ حقوق مالکیت فکری

دانش سنتی اگر چه دارای جایگاه معرفتی خاصی در عرصه فرهنگ و میراث ملی است، اما تا زمانی که یله و آزاد در دامنه فرهنگ متروک و گرد گرفته باقی بماند، نمی‌تواند کار ویژه خود را که همانا تلفیق با دانش مدرن و نوین است به انجام برساند. ولذا قوانین آمرانه و الزام آوری لازم است تا از خفتگی دانش سنتی در بستر فرهنگ جلوگیری و آن را با دستورات قابل اجرا به عرصه زندگانی بشری و خدمت به جامعه فرا خواند.

وقتی از مستندسازی سخن می گوئیم، دقیقاً منظور ما معنای حقوقی آن است . شاید مواد ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ قانون مدنی ایران چنین هدفی را تأمین نماید. مواد مذکور به ترتیب مقرر می‌دارند: « سند بر دو نوع است : رسمی و عادی و « اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی، در حدود صلاحیت آن ها و بر طبق مقررات قانونی ، تنظیم شده باشند رسمی است.»

بنابراین « مستندسازی » عبارت است از این که یک مؤلفه با عنوان «دانش سنتی» در چارچوب مقررات حاکم رسماً نزد و توسط مأمورین رسمی و ذیصلاح با تأیید و امضای قانونی از رسمیت کافی و حقوق لازم الرعایه برخوردار شود. بدیهی است این

مرجع یا مامور می تواند داخلی یا خارجی باشد.<sup>۱</sup> به علاوه تفاوتی نمی کند صدور سند مستندسازی به موجب یک قانون داخلی به معنای خاص باشد یا یک موافقتنامه یا عهدنامه بین المللی که ایران به موجب قانون اساسی به آن پیوسته است.<sup>۲</sup> بنابراین برای مستندسازی دانش سنتی به مفهوم حقوقی نیازمند دو عنصر مهم و کلیدی هستیم:

- ۱- قانون لازم الاجرا برای به رسمیت شناختن دانش سنتی
- ۲- سازمان اداری لازم اعم از تشکیلات و کادر اداری ذی صلاح جهت اقدامات ثبتی

### ۳- ضرورت اطلاع رسانی به دارندگان دانش سنتی

آگاهی رسانی به دارندگان دانش سنتی در جهت حفاظت و پاسداری از دانش مذکور یکی از وظایف دولت‌هاست. چه اینکه دولت با این امر از سرمایه‌های ملی پاسداری و نگهداری می کند. به علاوه شهروندان خود را تحت حمایت قرار می دهد. منظور از آگاهی رسانی، به مفهوم حقوقی آن نیست. زیرا آگاهی رسانی بر طبق مواد ۲ و ۳ قانون مدنی پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، انجام شده تلقی می گردد،<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی می گوید: «محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می باشد مشروط بر اینکه: اولاً: اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً: مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد. ثالثاً: کشوری که اسناد در آن تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعاً: نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و کنسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشند که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

<sup>۲</sup> ماده ۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «قرارات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.» و اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می گوید: «عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

<sup>۳</sup> ماده (۲) قانون مدنی (مصوب ۸ آذر ۱۳۴۸) می گوید:

«قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر شده باشد.»

و فرض قانونی این است که عموم مردم و اشخاص ذینفع از موضوع تصویب آگاهی یافته‌اند. منظور از اطلاع‌رسانی، مفهوم مفید و مؤثر آن می‌باشد. در این صورت بهره‌گیری همه‌جانبه از همه امکانات موجود اعم از رسانه‌های دیداری و شنیداری نظیر مطبوعات و رادیو و تلویزیون است. سمینارها و همایش‌های ملی و منطقه‌ای با مشارکت نخبگان محلی و روستائیان گونه‌ای دیگر از اطلاع‌رسانی می‌باشد. کارگاه‌های مشورتی و برگزاری جشنواره‌های موضوعی نقش بسزایی در این امر دارند. نمونه بارز آن جشنواره گل و گلاب قمصر کاشان است. در این جشنواره می‌توان به ابعاد حقوق مالکیت فکری و دارندگان دانش سنتی و تکنولوژی بومی و محلی اطلاعات کافی را منتقل نمود. به‌عنوان نمونه دیگر می‌توان به نمایشگاه بین‌المللی فرش دستباف که هر ساله برگزار می‌گردد اشاره نمود. در این نمایشگاه به عنوان یک اقدام جنبی، کارگاه مشورتی مالکیت فکری برای ثبت نقشه‌های فرش دستباف در شقوق مختلف تشکیل می‌گردد و نقش ویژه‌ای در آگاهی‌رسانی به طراحان فرش دستباف دارد.

#### ۴- ایجاد بانک اطلاعات مربوط به دانش سنتی

به نظر می‌رسد برای ایجاد یک نظام حمایتی صحیح و کارآمد در جهت حمایت از دانش سنتی ابتدائاً باید دانش مورد نظر را در محل خاص به صورت دسته‌بندی شده ساماندهی نمود. در حال حاضر کتاب‌های فراوانی در خصوص دانش روستائیان و تکنولوژی بومی به رشته تحریر در آمده است که حاصل تلاش دانشجویان و اساتید و علاقه‌مندان به رشته‌های مردم‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط است. در نوشته حاضر حسب مورد و به تناسب، بهره‌های فراوان از کتب مزبور گرفته شده است. این کتب سرشار از اطلاعات و علوم مربوط به جوامع محلی و روستائیان نقاط مختلف ایران است. این اطلاعات و علوم باید تحت یک نظام خاص حقوقی در یک مرکز ملی

ماده (۳) قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.»

حفاظت و مورد حمایت قرار گیرند. مرکز ملی مورد نظر اگر وابسته به سازمان میراث فرهنگی باشد مناسب‌تر به نظر می‌رسد. البته تردیدی نیست که نظام ثبت حاکم بر این دانش باید در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سازماندهی شود. البته این امر منافاتی با وظیفه کتابخانه ملی ایران (مجموعه قوانین، سال ۱۳۶۹، ص ۴۱۳)<sup>۱</sup> برای ثبت آثار غیر مکتوب که از طریق مرکز و اسپاری مواد غیر کتابی اعمال می‌شود نخواهد داشت.

در حال حاضر ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خورهه<sup>۲</sup> در زمینه گرد آوری و ساماندهی دانش سنتی فعالیت چشم گیری دارد. اما این ایستگاه بیشتر جنبه محلی دارد و نمی‌تواند نیازهای ملی کنونی را پاسخگو باشد.

جا دارد با توجه به رویکرد برنامه چهارم توسعه<sup>۳</sup> نسبت به حمایت بیشتر از دانش سنتی در چارچوب مستندسازی و ایجاد بانک اطلاعاتی تلاش بیشتری صورت گیرد. ماده ۱۰۹ برنامه چهارم مقرر می‌دارد: دولت موظف است به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه های هویت ایرانی به ویژه زبان فارسی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد.

الف - .....

ب- بررسی و گرد آوری نظام یافته تاریخ شفاهی و گویش ها و لهجه ها، آداب و رسوم عناصر فرهنگ ملی و بومی.

<sup>۱</sup> رجوع شود به قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۹، ص ۴۱۳.

<sup>۲</sup> ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خورهه در یکی از روستاهای توابع شهرستان محلات (استان مرکزی) توسط مرکز تحقیقات روستایی جهادکشاورزی ایجاد شده است.

<sup>۳</sup> قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و پس از ارجاع به شورای نگهبان و طرح در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ آن به دولت مورد تأیید مقام رهبری قرار گرفته است.

ه - تقویت تعامل فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی در سطح ملی با رویکرد تحکیم وحدت ملی به‌ویژه در نظام آموزشی کشور، رسانه‌ها و تولید محصولات فرهنگی و هنری.

### ب - حمایت از دانش سنتی در برابر تهدیدات

#### ۱ - منشأ تهدیدات

در وضعیت کنونی دانش سنتی از دو جهت عمده مورد تهدید واقع می‌شود: نخست جهل دارندگان دانش سنتی، دوم دانایی سرقت‌کنندگان دانش سنتی. نخست: جهل و نادانی دارندگان دانش سنتی به ارزش اقتصادی آن باعث بی‌توجهی دارندگان نسبت به حفاظت و پاسداری از این سرمایه محلی و نهایتاً ملی شده است. اسفبارتر این است که عده‌ای از دانشجویان و حتی اساتید دانشگاه تحت عنوان پژوهش‌های مردم‌شناسی دانش مذکور را به صورت مکتوبات پژوهشی درقبال ثمن بخش به مراکز علمی خارجی واگذار می‌کنند. بعضاً نیز با شعار اینکه فرهنگ حدو مرز نمی‌شناسد دانش سنتی را منتقل می‌کنند و این در حالی است که کشورهای توسعه یافته از انتقال یافته‌های علمی خود بدون پرداخت حق امتیاز متعلقه خودداری می‌کنند و انتقال دانش فنی به کشورهای در حال توسعه را تحت نظام خاص تجاری قرار داده‌اند.

دوم: دانایی زیرکانه و بعضاً دزدانه به ارزش این فرآورده علمی یعنی تکنولوژی بومی و محلی موجب گردیده است که با انتقال مجانی این دانش به کشورهای غربی و تبدیل آن به یک منبع الهام‌بخش و ایجاد خلاقیت‌های فرعی موجبات گسترش تولیدات علمی در کشور خود را فراهم نمایند. بسیاری از تولیدات کشورهای غربی برگرفته از دانش بومی اقوام مختلف جهان است. این امر با قواعد انصاف و عدالت سازگار نیست.

## ۲- لزوم حمایت اداری

دولت موظف است تشکیلات لازم اداری برای حمایت از این دانش را فراهم نماید. این تشکیلات که اصولاً باید بموجب قانون باشد وظیفه دارد در وهله نخست، ساز و کار لازم برای ثبت را فراهم نماید. سازو کار مذکور باید بدور از بوروکراسی و با هزینه ارزان و با سرعت مناسب صورت پذیرد. ماده (۷) قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی و همچنین مواد بعدی<sup>۱</sup> نمونه ای از سازو کارهای اداری حمایت از نشانه‌های جغرافیایی است. اتفاقاً همان گونه که قبلاً بیان گردید با اعمال قانون مذکور دانش سنتی نیز به صورت خودکار مورد حمایت قرار می گیرد.

## ۳- لزوم حمایت قضایی

برای مقابله با تهدیدات علیه دانش سنتی بلا تردید وجود یک سیستم قضایی نیرومند غیر قابل انکار است. در سایه تشکیلات قضایی کار آمد است که اشخاص و گروه های ذی نفع می توانند با تمسک به آن در برابر هر گونه سوء استفاده از دانش مذکور مقابله نمایند و حسب مورد، نسبت به مطالبه ضرر و زیان یا اعمال مجازات علیه فرد خاطی اقدام کنند. همان گونه که بیان گردید، قانون حمایت از علائم جغرافیایی چنین امکانی را فراهم نموده است. به عنوان مثال میتوان به مواد ۲ و ۶ قانون اخیر الذکر اشاره نمود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۷- اظهارنامه ثبت نشانه جغرافیایی، توسط اشخاص زیر به سازمان اسناد و املاک کشور تسلیم می شود:  
الف- هر شخص حقیقی یا حقوقی و همچنین گروه‌هایی از این اشخاص که در مکان جغرافیایی مندرج در اظهارنامه به تولید کالای مذکور در آن مشغولند.

ب- هر مرجع صلاحیت دار در امر تولید، توزیع و سیاستگذاری کالای مورد ثبت.

ماده ۹- نحوه و مراحل ثبت اظهارنامه به قرار زیر است:.....

<sup>۲</sup> ماده (۲) مقرر می دارد: هر شخص یا هر گروه ذی نفع میتواند درخصوص نشانه‌های جغرافیایی به منظور جلوگیری از اعمال زیر با مطالبه ضرر و زیان ناشی از آنها در دادگاه اقامه دعوی نماید:

الف- معرفی و انتساب غیر واقعی و گمراه کننده مبدأ جغرافیایی کالا



باید توجه نمود در شرایط کنونی در نظام قضایی ایران اصولاً به دلیل جدید بودن بحث مالکیت فکری، نظام حل اختلافات و رویه قضایی بسیار فقیر است. فقط در صورتی نظام قضایی و حل اختلافات در این حوزه بارور خواهد شد که بحث مالکیت فکری عملاً وارد حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردد. در صورت گسترش این امر، از طریق آراء و احکام صادره دادگاه‌های رویه قضایی نیرومند و قوی خواهد شد. از سوی دیگر بلاشک کارشناسی رسمی دادگستری در حوزه فنی مالکیت فکری توسعه خواهد یافت و این امر از نقطه نظر اشتغال و توسعه مالکیت های فکری بسیار حائز اهمیت است.

### نتیجه گیری

خوشبختانه در قوانین و مقررات جاری ایران قابلیت حمایت از دانش سنتی وجود دارد. زیرا کنوانسیون‌هایی که ایران به آنها ملحق شده از جمله کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان زایی و به خصوص معاهده بین‌المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی زمینه های مناسبی را برای ایفای تعهدات متقابل بین‌المللی فراهم نموده است. البته قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی نیز بستر دیگری برای حمایت می باشد.

اما در خصوص پیش فرض های حمایتی و اقدامات اولیه باید به مستند سازی دانش سنتی و هم چنین تشکیل بانک اطلاعاتی پرداخته شود و از عنصر تشکل های غیر دولتی به عنوان سدی در برابر تهدیدات بهره گیری شود. البته از نقش کم نظیر شورای منطقه‌ای و ملی نباید غفلت نمود. اگر چه اجرایی کردن قوانین و مقررات موجود مورد

---

ب- هرگونه استفاده از نشانه های جغرافیایی که مطابق ماده (۱۰) مکرر کنوانسیون پاریس مصداق رقابت نامشروع باشد. ماده (۶) مقرر می دارد: هر شخصی که مرتکب اعمال مندرج در ماده (۲) شود علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تاکید است مع الوصف تهیه و تدوین و تصویب قانونی مستقل که دانش سستی را مورد حمایت همه جانبه قرار دهد ضروری به نظر می رسد. ذکر دو نکته دیگر حائز اهمیت است: نخست اینکه در تدوین قانون مستقل باید نسبت به همسو سازی مقررات داخلی با مقررات پذیرفته شده کنوانسیونها توجه جدی صورت گیرد. دوم این که به نظر می رسد مفاد مقررات کنوانسیونها نیازمند آیین نامه اجرایی است، که البته این امر در راستای اجرای اصل ۱۳۸ قانون اساسی امکان پذیر می باشد.

## منابع و مأخذ:

### الف - منابع فارسی:

- ۱ قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۳.
- ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸.
- ۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجموعه قوانین، سال ۱۳۵۴، چاپ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴ کنوانسیون تنوع زیستی، مجموعه قوانین، سال ۱۳۷۵.
- ۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی، مجموعه قوانین، سال ۱۳۷۵.
- ۶ معاهده بین المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی (روزنامه رسمی شماره ۱۷۵۹۵، مورخ ۱۳۸۴/۵/۴).
- ۷ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی (روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۴/۲/۳۹، ۲۸).
- ۸ قانون تشکیل انجمن ده مصوب ۱۳۵۴.
- ۹ قانون حمایت از حقوق مصنفان، مولفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- ۱۰ قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۹.
- ۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از ارجاع به شورای نگهبان و طرح در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ آن به دولت مورد تأیید مقام رهبری قرار گرفته است.
- ۱۲ آئین نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصنفان، مولفان و هنرمندان مصوب ۱۳۵۰.
- ۱۳ تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، انتشارات دانشگاه ملی، سال ۱۳۵۵.

- ۱۴ عمادی، محمد حسین، عباسی، اسفندیار، حکمت دیرین در عصر نوین، کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، انتشارات مرکز تحقیقات روستایی جهادسازندگی (سابق) ۱۳۷۸.
- ۱۵ صابری انصاری، بهزاد، سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - تهران، مرکز چاپ و انتشارات، سال ۱۳۸۱.
- ۱۶ حقانی، مهری " اقبال جهانی به طب سنتی "، روزنامه ایران، سه شنبه ۲۹ دیماه ۱۳۸۳، شماره ۳۰۳۴.
- ۱۷ هاش ای. وولف، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۸ فرهادی، مرتضی، کشتکاری و فرهنگ، تهران، انتشارات تابان، سال ۱۳۸۲.
- ۱۹ امیری اردکانی، محمدشاه ولی منصور، مباتی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۸.
- ۲۰ ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۸۱.
- ۲۱ لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۲.
- ۲۲ شمس الدینی، شهباز، بررسی موقعیت ایران در صادرات جهانی فرش دستباف، مجموعه مقالات اولین سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف، جلد دوم، ناشر مرکز تحقیقات فرش دستباف، چاپ اول، مهرماه ۱۳۸۲.
- ۲۳ شجری، هوشنگ -توامی مرجان، صادرات فرش دستباف ایران به اتحادیه اروپا و اثر رقابت خارجی بر آن، مجموعه مقالات سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف، جلد دوم، تهران، مهرماه ۱۳۸۲ چاپ اول.
- ۲۴ حکمت‌نیا، محمود، «نظریه کار - مالکیت و کاربرد آن در مالکیت فکری»، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه مفید و نامه مفید، سال دهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.
- ۲۵ تفصیلی، فریدون تاریخ اقتصادی، جلد اول، بررسی تحلیلی از افلاطون تا پایان مکتب تاریخی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، سال ۱۳۵۵.
- ۲۶ گاهنامه علمی - فرهنگی ایستگاه تحقیقات دانش بومی، سال ۱، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۸۰.
- ۲۷ حبیب بهزادی شهربابکی، پراکندگی و تنوع ارقام انار در ایران. کرج. نشر آموزش کشاورزی، سال ۱۳۷۷.
- ۲۸ آنتونی، بارنست، انسان، ترجمه محمدرضا باطنی و ماه طلعت نفر آبادی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- ۲۹ آندره هودری کور «تکنولوژی، دانش آدمی» ترجمه جلال‌الدین رفیع فر، نمایه پژوهش. ش ۱۳ و ۱۴ (ویژه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی) بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- ۳۰ اسفندیار، عباسی « کشاورزی پایدار، انتخاب آینده » ماهنامه سنبله. ش ۵۵، آذر ۱۳۷۲.
- ۳۱ اسفندیار عباسی، « اسلوب کشاورزی شرق مرهمی برای مشکلات زیست محیطی غرب » ماهنامه سنبله، ش ۵۲، شهریور ۱۳۷۲.

ب \_ منابع لاتین:

<sup>1</sup>World Intellectual Property Organization, General Information about WIPO, [www.wipo.org/en/about/gib.html](http://www.wipo.org/en/about/gib.html) , September 2001 .

<sup>2</sup>Chambers, R. Rural Development : Putting the Last First, Longman, New York,(1983).

<sup>3</sup>World Intellectual Property Organization , Intellectual Property Reading Material, WIPO publication No. 476 (E) , Geneva, 1999.

لحمان را گفتند حکمت از که آموختی، گفت از نابینایان که تا جای را

نبینند قدم نهند.